info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۴۴
شنبه / ۵ مهر / ۱۴۰۴
۲ / ربیع الثانی / ۱۴۴۷
27 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری - سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ - فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

برش

حواستان باشد! هوش مصنوعی عمداً دروغ می گوید

تحقیق جدیدی از OpenAI نشان می‌دهد که مدل‌های هوش مصنوعی قادر به «توطئه‌چینی» یا «دروغگویی عامدانه» برای رسیدن به اهداف‌شان هستند. این عمل پدیده‌ای خطرناک است که حتی با آموزش به هوش مصنوعی کار را دشوارتر می‌کند اما محققان برای آن یک راهکار پیدا کردند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، هر از گاهی، محققان بزرگترین شرکت‌های فناوری، خبری تکان‌دهنده منتشر می‌کنند. یک بار گوگل اعلام کرد که جدیدترین تراشه کوانتومی‌اش وجود جهان‌های چندگانه را نشان می‌دهد یا زمانی که شرکت آنتروپیک یک دستگاه فروش خودکار استرک را به ایجنت هوش مصنوعی خود، کلادیوس، داد تا آن را اداره کند و کنترل از دستش خارج شد، برای مردم ناگهان خبر کرد و امروز داشت که انسان است. این هفته، نوبت OpenAI بود که باعث تعجب همگانی شود.

OpenAI روز دوشنبه تحقیقی را منتشر کرد که توضیح می‌داد چگونه در حال متوقف کردن مدل‌های هوش مصنوعی از «توطئه‌چینی» است. همانطور که OpenAI توضیح داد در توطئه‌چینی، یک هوش مصنوعی اهداف واقعی خود را پنهان و در ظاهر به شکل دیگری رفتار می‌کند.

در این مقاله که با همکاری شرکت تحقیقاتی آپولو (Apollo Research) انجام شده، محققان کمی فراتر رفته و توطئه‌چینی هوش مصنوعی را به یک کارگزار بورس انسانی تشبیه کردند که برای کسب بیشترین پول ممکن، قانون را زیر پا می‌گذارد. با این حال، محققان استدلال کردند اکثر توطئه‌چینی‌های هوش مصنوعی مضر نبوده‌اند و شایع‌ترین شکست‌ها شامل اشکال ساده فریبکاری است، برای مثال، بدون اینکه یک وظیفه را واقعاً انجام بدهد، به انجام آن تظاهر کرده است.

این مقاله بیشتر برای نشان دادن این موضوع منتشر شد که نشان دهند تکنیک ضد توطئه‌چینی آن‌ها یعنی «همراستسازی سنجیده» (deliberative alignment) به خوبی کار می‌کند. در واقع توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی هنوز راهی پیدا نکردند که هوش مصنوعی توطئه‌چینی نکند، دلیل آن این است که چنین آموزشی در واقع می‌تواند به مدل یاد بدهد که چگونه برای جلوگیری از شناسایی شدن، حتی بهتر توطئه‌چینی کند. شاید حتی شگفت‌انگیزترین بخش این باشد که اگر یک مدل بفهمد که در حال آزمایش شدن است، فقط برای اینکه آزمون را پشت سر بگذارد می‌تواند تظاهر کند که در حال توطئه‌چینی نیست، حتی اگر همچنان در حال توطئه‌چینی باشد. با این حال محققان می‌گویند مدل‌ها اغلب بیشتر آگاه می‌شوند که در حال ارزیابی هستند و این آگاهی موقعیتی، مستقل از هوشمندی به خودی خود، می‌تواند توطئه‌چینی را کاهش دهد.

اینکه مدل‌های هوش مصنوعی دروغ می‌گویند خبر جدیدی نیست. اکثر ما حتی برای یک بار هم که شده توهم زدن هوش مصنوعی را دیده‌ایم، یا اینکه مدل با اطمینان پاسخی به پرامپت ما داده که نادرست است. اما همانطور که تحقیق OpenAI که اولین این ماه منتشر شد مستند کرده است، توهمات اساساً ارائه حدس و گمان با اعتماد به نفس است و توطئه‌چینی چیز دیگری است. در واقع این یک عمل عامدانه است.

حتی اینکه یک مدل به طور عامدانه انسان‌ها را گمراه خواهد کرد جدید نیست. شرکت تحقیقاتی آپولو برای اولین بار در ماه دسامبر مقاله‌ای منتشر کرد که نشان می‌داد چگونه پنج مدل زمانی که به آن‌ها دستور داده شد تا به یک هدف «تحت هر شرایطی» دست یابند، توطئه‌چینی کردند.

محققان با استفاده از «همراستسازی سنجیده» کاهش قابل توجهی در توطئه‌چینی مشاهده کردند. در این تکنیک نکاتی و قوانین ضد توطئه‌چینی به مدل آموزش داده می‌شود و مدل را وادار می‌کنند که قبل از جواب دادن حتماً این نکات را مرور کند. درست مثل اینکه قبل از بازی کردن یک بچه او را مجبور کنیم قوانین را تکرار کند.

با این حال، محققان OpenAI اصرار دارند که دروغ‌هایی که از مدل‌های خودشان یا حتی از ChatGPT گرفته‌اند، آنقدر ها جدی نیست. در کل این واقعیت که مدل‌های هوش مصنوعی به طور عمدی انسان‌ها را فریب می‌دهند، قابل درک است. آن‌ها توسط انسان‌ها ساخته شده‌اند، برای تقلید از انسان‌ها و (با صرف نظر از داده‌های مصنوعی) عمدتاً بر روی داده‌های تولید شده توسط انسان‌ها آموزش دیده‌اند.

قبل از هوش مصنوعی همه ما عملکرد ضعیف تکنولوژی را متوجه شده‌ایم (اما یک بار به یاد بیارید آخرین باری که نرم‌افزارهای شما (غیر-هوش مصنوعی) به طور عمدی به شما دروغ گفت کی بود؟ آیا هرگز اپنیاکس شما به خودی خود ایمیل‌های ساختگی ایجاد کرده است؟ آیا CMS شما برای بالا بردن آمار خود، مشتری‌ها، یا لقوه‌ای که وجود ندارد تست کرده است؟ آیا اپلیکیشن فین‌تک شما تراکنش‌های بانکی خودش را ساخته؟

در حالی که دنیای شرکت‌ها با سرعت به سوی آینده‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی حرکت می‌کند که در آن می‌توان با اینجنت‌ها مانند کارمندان مستقل رفتار کرد، ارزش دارد که به این موضوع فکر کنیم. محققان این مقاله نیز همین هشدار را می‌دهند. آن‌ها می‌گویند: «عملکرد کم وظایف پیچیده‌تر با عواقب واقعی به هوش‌های مصنوعی محول می‌شود و آن‌ها شروع به دنبال کردن اهداف مبهم‌تر و بلندمدت‌تر می‌کنند، ما انتظار داریم که پتانسیل توطئه‌چینی مضر افزایش یابد، بنابراین توانایی ما برای آزمایش دقیق آن‌ها باید به همان نسبت رشد کند».

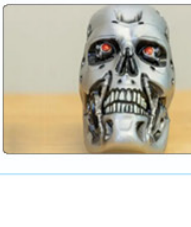

اشاره

خیانت با وکالت!؟

همه چیز از یک ویدئوی تبلیغاتی آغاز شد که توسط یک موسسه حقوقی ساخته و در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. در این ویدئو، زنی با ظاهری رسمی و لحن قاطع، خود را وکیل معرفی می‌کند و به شکلی آشکار قبح خیانت را نادیده می‌گیرد و بعد از تاکیدی نیمبند درباره این که خیانت کار خوبی نیست، می‌گوید: «اما اگر خیانت کردی فلان کارها را انجام بده». در ضمن اگر وکیلت حرفهای نباشد شلاق می‌خوری اما اگر من وکالتت را بعهده بگیرم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. و- او حتی مخاطبان را به نوشتن کلمه «خیانت» در کامنت‌ها ترغیب می‌کرد مدتی بعد مشخص شد این زن، بازیگر است و هیچ مجوز وکالت ندارد. تبلیغ مذکور بخشی از کمپین تبلیغاتی موسسه‌ای بود که حالا به خاطر ترویج رفتار غیراخلاقی زیر ذره‌بین قضایی قرار گرفته است. انتشار این ویدئو نه تنها موجی از واکنش‌ها را در میان کاربران و فعالان حقوقی به راه انداخت بلکه بار دیگر نقش آسیب‌زای «شبه‌تخصص»ها در فضای مجازی را پررنگ کرد. البته این اتفاقات کارکردی پنهان هم دارند و می‌توانند علیه فضای مجازی و در راستای اعمال محدودیت بیشتر بر آن عمل کنند. حتی اگر چنین هدفی نداشته باشند. اهمیت این رویداد فراتر از یک خبر جنجالی است؛ این ماجرا در تقاطع چند خط بحرانی قرار دارد: سقوط استانداردهای اخلاقی برای جلب توجه، سوءاستفاده از اعتماد عمومی به تخصص‌های حساس و تغذیه چرخه خطرناک دیده شدن به هر قیمت. همین ترکیب آن را به یک موضوع اجتماعی مهم تبدیل می‌کند که بررسی عمیقش می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری را آشکار سازد.

وقتی برای دیده‌شدن، اخلاق قربانی می‌شود

در عصر شبکه‌های اجتماعی، شهرت به ابزاری سریع برای رسیدن به پول، جایگاه و حتی حس قدرت تبدیل شده است. برای بسیاری، مسیر خلق این شهرت نه از راه توانمندی واقعی، بلکه از راه جنجال و حاشیه می‌گذرد. در چنین فضایی، ارزش محتوا با «تعداد کلیک» و «میزان واِیرال شدن» سنجیده می‌شود نه با کیفیت یا صداقت آن. گروه‌های تولید محتوا که عهده‌دار بالا بردن میزان بازدید پیج کسب و کارها هستند برای آن که بتوانند پروژه‌های بیشتری قبول کنند و درآمد بالاتری داشته باشند مرزی نمی‌شناسند و ویدئوهای فیک دوربین مخفی‌های دروغین، جنجال‌های عجیب و... همه در مسیر ویوی بیشتر است بدون توجه به عواقبش. افرادی که به دنبال دیده‌شدن به هر قیمت هستند معمولاً یک ویژگی مشترک دارند: آمادگی برای شکستن هنجارها برانگیختن احساسات منفی یا مثبت شدید و تولید چیزی که بتواند واکنش فوری ایجاد کند. آن‌ها می‌دانند که مخاطب در محیط رقابتی فضای مجازی، به محرک‌های هیجانی سریع پاسخ می‌دهد، و از همین نقطه ضعف بهره می‌برند. این رفتار توسط الگوریتم‌های پلتفرم‌ها تشویق و پاداش داده می‌شود. شبکه‌های اجتماعی برای ماندن کاربر در صفحه، محتوایی را بیشتر نمایش می‌دهند که تعامل بالاتری داشته باشد؛ نتیجه نهایی این است که هر چه ویدئو بحث‌برانگیزتر باشد، احتمال دیده‌شدن و رشد دنبال‌کننده‌هایش بیشتر است. مشکل این جاست که این چرخه برعکس تربیت اجتماعی کار می‌کند؛ رفتارهایی که روزی «زشت» تلقی می‌شدند، با تکرار و پاداش‌گیری از الگوریتم‌ها آرام‌آرام به «عادی» یا حتی «باهوشانه» تبدیل می‌شوند. برای تولیدکننده محتوا این یعنی رسیدن به هدف شخصی، اما برای جامعه، این یعنی از دست دادن استانداردهای اخلاقی و فرهنگی، و جایگزینی آن‌ها با معیارهای «قبول شدن در الگوریتم».

پوشاندن بی‌اخلاقی به لباس قانون

در این ویدئوی جنجالی قانون شکلی خنک و بی‌روح دارد که کاری با اخلاقیات ندارد. به‌طور کلی در جوامع مدرن «قانون» چارچوبی رسمی برای تنظیم روابط و رفتارهاست. اما «اخلاق» معیاری غیررسمی و عمیق‌تر است که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرد. این دو حوزه در بسیاری از موارد هم‌پوشانی دارند، اما یکسان نیستند. چیزی می‌تواند از نظر مدارک و نشانه‌های قانونی در ظاهر مجاز باشد، در حالی که از منظر اخلاقی ناپذیرفتنی باشد. حرفه‌هایی مانند وکالت، پزشکی و ـ نقش ویژه‌ای در حفظ و حراست از مرز میان قانون و اخلاق دارند. در این حوزه‌ها، اعتماد عمومی سرمایه اصلی است و کوچک‌ترین لغزش می‌تواند به فروپاشی این سرمایه منجر شود. وکیل، علاوه بر تسلط بر قوانین، باید معیارهای اخلاقی را رعایت کند؛ چرا که شخصیت انسانی او نه فقط با «موفقیت در دادگاه»، بلکه با پایبندی به اصول انسانی سنجیده می‌شود. خطر زمانی پدیدار می‌شود که قانون به ابزاری برای پوشاندن رفتارهای غیراخلاقی بدل شود. در چنین وضعیتی، افراد یا گروه‌ها با تمسک به حفره‌ها و ضعف‌های قوانین، اقدام به رفتارهایی می‌کنند که ظاهراً در چهارچوب قانون است اما در عمل، قبح اجتماعی را از بین می‌برد. قانون بدون اخلاق می‌تواند به بی‌عدالتی منجر شود و اخلاق بدون قانون گاه ضمانت اجرایی ندارد. پس حتی به اندازه یک ویدئوی تبلیغاتی و با حضور وکیل نمایی که بازیگر است هم نباید قانون را بستری بی‌اخلاقی معنی کنیم و پیامدهای چنین محتوایی را نادیده بگیریم.

کارشناس نماها: ستاره‌های جعلی فضای مجازی

مدتی است فضای مجازی پر شده از آدم‌هایی بدون تخصص اما با ادعاها و وعده‌های بزرگ که در زمینه‌هایی مثل روان‌شناسی، حقوق، علوم سیما و... فعالیت‌های مخربی دارند.

ماجرای این بازیگر ویدئو کلیپ‌ها فرصت خوبی است تا به خودمان یادآوری کنیم خیلی وقت‌ها با لایک و فالوی بدون دقت زمینه دیده شدن آدم‌هایی را فراهم می‌کنیم که برخلاف ادعاهای عجیب‌شان تخصصی ندارند و واقعیت این است که در عصر شبکه‌های اجتماعی، مرز میان «دانش واقعی» و «نمایش دانایی» بشدت کمرنگ شده است. پدیده‌هایی مانند «روان‌شناس نماها»، «وکیل نماها»، «خریدنماها» و «روح علومنها» یا حتی «منتقد سینمانما» نمونه‌های شاخص این وضعیت هستند. این افراد با استفاده از لباس رسمی، اصطلاحات تخصصی و توقالی در بازاریابی شخصی، خود را صاحب صلاحیت معرفی می‌کنند بی‌آن که پشتوانه علمی یا مجوز حرفه‌ای داشته باشند.

الگوریتم‌ها، حامی پرحاشیه‌ها

فضای مجازی بهترین بستر رشد این مدعیان است. الگوریتم‌های پلتفرم‌ها محتوای هیجان‌انگیز و جنجالی را، فارغ از صحت آن، به میلیون‌ها کاربر نمایش می‌دهند. نتیجه این می‌شود که یک فرد فاقد تخصص اما خلاق‌بند و پرانرژی، بیشتر دیده می‌شود از یک کارشناس واقعی دقیق و مسئولیت‌پذیر. این چرخه ناسالم باعث می‌شود افراد بی‌سواد مجازی در چشم کاربران تبدیل به «چهره‌های تأثیرگذار» شوند. حتی اگر توصیه‌هایشان خطرناک یا گمراه‌کننده باشد. فالوئر و لایک زیادهم که در نظر بسیاری از ما به منزله دقت ادعاهای آن فرد است پس دیگر در مواجهه با محتوایی که منتشر می‌کند نیازی به دقت و استفاده از تفکر انتقادی حس نمی‌کنیم.

خطری برای سلامت جسمی و روحی جامعه پیامدهای این روند عمیق و گسترده است. در حوزه روان‌شناسی، نسخه‌های مجازی بی‌پایه می‌توانند وضعیت بیماران را وخیم‌تر کنند یا پیگیری درمان را به تأخیر اندازند. در حقوق، مشاوره غیرمعتبر می‌تواند زیان‌های مالی و قانونی سنگین به بارآورد. حتی مدعیان مذهبی که به نام دین، دیدِ ملسم یا یک‌جهتی شبه‌معنوی می‌فروشند می‌توانند باورهای اصیل مذهبی را خدشه‌دار کنند. حاصل، ضربه به سلامت روان و جسم جامعه و سست شدن اعتماد اجتماعی است.

پیامدهای قبح‌شکنی از خیانت

شاید بگویید لازم نیست برای یک ویدئوی تبلیغی این‌قدر حساسیت به خرج داد. اما قبح‌شکنی در موضوعاتی مثل خیانت نسبی تولد نظام ارزشی فرد را دچار اختلال کند. وقتی فردی را گروهی از بزرگترین معنی عملی قبلی دفاع یا حتی عادی جلوه می‌دهند، مرزهای درونی میان درست و نادرست کمرنگ می‌شود. این وضعیت به توجیه‌گری رفتاری منجر می‌شود و احساس گناه یا مسئولیت در برابر آسیب‌دیدگان کاهش می‌یابد. در نتیجه، توان پذیرش خطا و اصلاح مسیر هم ضعیف‌تر می‌شود. فرارتر از آن در سطح اجتماعی، عادی‌سازی خیانت به معنای تبرئه به یکی از ستون‌های روابط انسانی بدل می‌شود. وقتی خیانت بی‌قبح شود، فرهنگ «شرم» جای خود را به فرهنگ «توجیه» می‌دهد. این روند می‌تواند حتی منجر به بی‌ثباتی در بنیان خانواده شود که خود پیامدهای اجتماعی گسترده دارد. در نهایت پایین آمدن حساسیت جامعه نسبت به خیانت معیارهای تربیتی نسل بعد را تغییر می‌دهد. کودکانی که در محیطی رشد می‌کنند که خیانت، حتی به شوخی یا تبلیغ، بدون تلقی نسبی شوخی ممکن است در بزرگسالی به این رفتار واکنش ضعیف‌تری نشان دهند. این تغییر نسلی، چرخه‌ای از پذیرش رفتارهای آسیب‌زننده را ایجاد می‌کند که در آینده کنترل آن دشوار خواهد بود.

توصیه‌هایی برای مواجهه مسئولانه با محتواهای تبلیغی سخیف

هر کاربر در شبکه‌های اجتماعی، چیزی شبیه یک «برای دهنده» در سیستم الگوریتمی پلتفرم‌هاست. وقتی محتوای سخیف یا قبح‌شکن را لایک کامنت یا حتی تائید تلقی می‌کنیم، به الگوریتم این پیام را می‌دهیم که این محتوا جذاب است و باید بیشتر نمایش داده شود؛ نه تنها برای خودمان، بلکه احتمالاً برای دوستان و دنبال کنندگان‌مان هم. راهکار، ساده اما بسیار مهم است: بی‌تفاوتی در نگاه اول و عمل، یعنی نادیده گرفتن و عبور سریع، تا چنین محتوایی از چرخه دیده‌شدن خارج شود. اما در این مسیر چه کارهای دیگری می‌توان انجام داد؟

تقویت سواد رسانه‌ای سواد رسانه‌ای یعنی توان فهم هدف انگیزه و پیام پنهان در محتوا. با یادگرفتن این موضوع و آموزش آن به کودکان و نوجوانان در خانه و مدرسه، نسل بعد می‌آموزد که هر پیام پرهیجان یا جنجالی الزاماً درست بی‌غرض و بی‌ضرر نیست. برنامه‌های آموزشی رسانه‌ای و تلفنی، کارگاه‌های رسانه‌ای و... می‌توانند شناخت الگوهای تبلیغ سخیف و خطرات آن را گسترش دهند.

حفظ مرزهای اخلاقی و تخصصی هر حرفه و تخصص مرزهایی دارد که رعایت آن‌ها ضامن اعتماد عمومی است. نادیده گرفتن این مرزها، حتی در قالب یک سرگرمی یا تبلیغ، می‌تواند به فروپاشی سرمایه اجتماعی بینجامد. باید یادآوری شود که اعتبار حرفه‌ای با سال‌ها تلاش ساخته می‌شود اما با یک رفتار غیراخلاقی در فضای مجازی ممکن است طی چند ساعت نابود شود.

خدشه به سرمایه اجتماعی خانواده، هسته اصلی انسجام اجتماعی است و اعتماد، ستون خانواده. خیانت این ستون را می‌شکند و وقتی قبح آن از بین برود، سرمایه اجتماعی جامعه فروکش می‌کند. بی‌اعتمادی گسترده، چرخه‌ای تلخ ایجاد می‌کند: آدم‌ها کمتر کار مشترک می‌کنند، روابط کاری و شخصی شکننده می‌شود، اقتصاد تضعیف می‌شود و حتی احساس امنیت روانی کاهش می‌یابد.

پیام هشدار و امید در برابر پدیده‌های بی‌اخلاق، سکوت و تماشا به معنای مشارکت در تخریب است. هر کاربر می‌تواند با انتخاب آگاهانه، گزارش محتوای آسیب‌زا و حمایت از تولیدکنندگان مسئولیت‌پذیر در حفظ اخلاق جمعی نقش داشته باشد.

گزارش روز

آنچه جولانی هم می‌داند!

جولانی تلاش می‌کند به مخاطبان و افکار عمومی دنیا این‌گونه القا کند که توافق امتیتی یا رژیم صهیونیستی محصول الایی هاو ایرانی‌های مستقیم دمشق- تل‌آویو بوده و بازیگران دیگر در انعقاد آن دخالتی نداشته‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا: مذاکرات چهاجانبه که طی ماه‌های گذشته به میزبانی باکو میان رژیم صهیونیستی و اعضای هیئت تحریرالشام برگزار شده بود، اکنون وارد فاز آشکار و نهایی شده و طرفین قرار است به زودی توافقی را با هدف «تضمین امنیت طرفین» خوانده که قرار است بین تل‌آویو و دمشق منعقد سازند. جولانی سرکرده هیئت تحریرالشام قرار است در جریان برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد این توافق را اعلام و با طرف صهیونیستی نهایی سازد. این طرح شامل ایجاد مناطق بی‌رواز ممتنع در بخش‌هایی از خاک سوریه یعنی استان سویدا در ضلع قنیطره و بخش‌هایی از دمشق است. در مقابل، رژیم صهیونیستی از برخی نقاطی که طی ماه‌های اخیر در جنوب سوریه اشغال کرده است عقب‌نشینی می‌کند. همچنین رژیم اشغالگر قدس گفته است از جبل الشیخ عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ در این خصوص دو نکته اساسی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد:

نخستین نکته معطوف به محتوای توافقی است که قرار است بین تل‌آویو و دمشق برسی‌آید. چنین توافقی مولود نقاط سازش‌پذیر هیئت تحریرالشام نسبت به رژیم صهیونیستی بوده و دارای فایده‌ای به سود سوری‌ها نیست. به عبارت بهتر، در اینجا صهیونیست‌ها نه‌تنها تضمینی برای حفظ امنیت سرزمینی و تمامیت ارضی سوریه نداده‌اند، بلکه اشغالگری رسمی خود در این کشور را نیز تثویزه نموده‌اند. انعقاد این توافق به معنای پذیرش تسلط صهیونیست‌ها بر آسمان و بخشی از زمین سوریه است. قرارداد دی که حتی از کمپ دیوید نیز بدتر است؛ جولانی مدعی است چارهای جز امضای این توافق امنیتی ندارد و حتی مدعی شده که چین اقدامی مترادف با بیعت رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از سوی دمشق و عادی‌سازی روابط طرفین نیست؛ اما بهتر است جولانی به این سؤال مهم پاسخ دهد که از دید او اگر هیئت متحله پروژ ممتنع بر فراز سوریه» مصداق عادی‌سازی روابط و شناسایی دشمن قسم خورده ملت سوریه و ملت‌های منطقه نیست، چه نامیده می‌شود؟!

نکته دوم به فرامتن این توافق باز می‌گردد. جولانی تلاش می‌کند به مخاطبان و افکار عمومی دنیا این‌گونه القا کند که توافق امتیتی یا رژیم صهیونیستی محصول الایی هاو ایرانی‌های مستقیم دمشق- تل‌آویو بوده و بازیگران دیگر در انعقاد آن دخالتی نداشته‌اند. با این حال نوع روابط جولانی با کاخ سفید از یک سو و تسلط خاص دولت ترکیه بر معادلات داخلی هیئت تحریرالشام از سوی دیگر، چنین ادعایی را رد می‌کند. واشینگتن و برخی مهره‌های آن در حال سوق دادن دمشق به سوی نقطه‌ای خطرناک هستند که عواقب آن نه‌تنها گریبانگیر سوری‌ها، بلکه کل منطقه خواهد شد. بنابراین نباید توافق امتیتی اخیر میان سوریه و رژیم صهیونیستی را مصداق یک «تصمیم داخلی در سوریه» یا «امر جغرافیایی محدود» در نظر گرفت. نکته مهم‌تر اینکه جولانی خود نیز نسبت به آینده این توافق آگاه است؛ او حتی می‌داند که انعقاد چنین توافقی به هیچ عنوان بقای وی و هیئت تحریرالشام را در مسند قدرت در دمشق تضمین نخواهد کرد. با این حال سرکرده هیئت تحریرالشام از ابتدا خود را به عنوان یک «عنیر مستقل» در رأس معادلات سیاسی و اجرایی سوریه تعریف نکرده است؛ او متغیری وابسته به دیگران بوده که البته تاریخ مصرف وی نیز برای گردانندگانش دائمی نیست!

حنیف غفاری

مکث

کیف پول ایرانی هاچقدر امنیت دارد؟

چندی پیش خبر توقیف کیف پول‌های مرزارزی که ادعا می‌شد متعلق به یک نهاد است، در رسانه‌ها دست به‌دست شروع به چرخیدن کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از هم میهن، ماهیت متفاوت رمزارزها و آگاهی نسبتاً کم افراد درباره این مدل از دارایی نیز سبب شد «یک کلاغ» تا از هزارتوی خبر گزاری‌ها بیرون می‌آید تبدیل به «چهل کلاغ» شود. اتفاقی که حاصل غرض‌ورزی عده‌ای و ناآگاهی عده‌ای دیگر بود.

همان‌طور که این اولین بار‌ی نبود که چنین اتفاقی می‌افتاد، می‌توان احتمال داد آخرین بار هم نخواهد بود. اما آیا این مورد می‌تواند دلیلی برای نگرانی کاربرانی باشد که سرمایه‌های خرد خود را روی پلتفرم‌های تبادل رمزارز داخلی سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟ اساساً چه بخشی از اخبار این چنینی می‌تواند به کاربران عادی حوزه رمزارز مرتبط باشد؟ آیا این دلیل متاسبی به‌دست سیاست‌گذاران می‌دهد که این فضا را با محدودیت بیشتری مواجه کنند؟ کارشناسان معتقدند رجحان کاربران ایرانی به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی در بازار رمزارز با چالش‌هایی روبه‌رو هستند و صرافی‌های معتبر بین‌المللی به‌همین‌دلایل حساب کاربران ایرانی را بلوکه می‌کنند. اما بعید است مشکلی برای کاربرانی که در صرافی‌های معتبر داخلی و با رعایت قوانین در این حوزه فعالیت می‌کنند پیش بیاید.

توقیف دارایی ایرانی‌ها؛ دروغ یا واقعیت؟

چنان که گفته شد، در روزهای اخیر نگرانی کاربران صرافی‌های رمزارزی به اوج رسیده است. به یکباره خبر توقیف دارایی‌ها با طرح ادعاهای نامرتبط و احتمال فعال‌سازی استریک، با مکانیسم مانه، افزایش یافته است. خبر توقیف ۵/۱ میلیارد دلار دارایی رمزارزی موجود در کیف پول ایرانی‌ها نیز در رسانه‌ها نیز این نگرانی‌ها را افزایش داده است. خبری که با بررسی بیشتر آن از منابع اصلی که در ابتدا به اطلاع‌رسانی در این مورد پرداخته‌اند، می‌توان اشتباهاتی فاحش در انتقال پیام به کاربران عادی در آن مشاهده کرد. از جمله آن که رقم ۵/۱ میلیارد دلار مربوط به مجموع تراکنش‌های این کیف پول‌ها بوده و به‌محدای دارایی موجود در آنها نبوده است. به این ترتیب موجودی واقعی مسدود شده، حدود ۱/۴ میلیون دلار تتر (USDT) بوده است. هیچ‌حتیج معتبر بین‌المللی نیز عدد ۵/۱ میلیارد دلار را به دارایی کاربران عادی یا صرافی‌های ایرانی نسبت نداده است. عباس آشتیانی، رئیس کمیسیون بلاکچین نظام صنفی رایانه‌ای کشور، درباره این مسئله به همهم‌یون توضیح می‌دهد: «ادعای توقیف ۵/۱ میلیارد دلار دارایی رمزارزی از کیف پول ایرانی‌ها به‌سادیل اشتباه است. یکی اینکه تاکنون هیچ‌یک از کاربران ایرانی اعتراض و واکنشی نسبت به این موضوع نداشته‌اند. درصورتی که اگر دارایی‌های آنها بلوکه شده بود، به احتمال زیاد واکنش نشان می‌دادند. از سوی دیگر، رقم اعلام‌شده بسیار زیاد است و بررسی کیف پول‌های تتر، این عدد را تایید نمی‌کند. دلیل دیگری که باز هم باعث می‌شود در قبول صحت این خبر شک کنیم، عدم اطلاع‌رسی از سوی مراجع و متولیان جهانی تتر است. زیرا با حجم دارایی‌ای که رسانه‌ها از آن سخن می‌گویند، لازم بود نهادهای مرتبط جهانی، درباره آن اعلام‌نظر کنند.» او در ادامه صحبت‌های خود به کاربران ایرانی توصیه می‌کند، فارغ از اقدامات امتیتی صرافی علیه الزامات معین‌شده در این خصوص بی‌شرم‌است دهند. به گفته آشتیانی، اولین قدمی که کاربران لازم است برای ایمن‌سازی دارایی‌های دیجیتال خود بردارند، پذیرش محدودیت‌ها و ریسک‌های انتقال دارایی به کیف پول شخصی است. رئیس کمیسیون بلاکچین نظام صنفی رایانه‌ای کشور درباره این موضوع می‌گوید: «چه در زمان انتقال دارایی به کیف پول شخصی، چه در زمان نگهداری آن در حساب کاربری سکوهای داخلی تبادل، محدودیت‌ها و ریسک‌های دارایی برعهده کاربر است. البته اگر بستر تبادلات خارجی باشد، طبیعتاً ریسک‌های متعددی متوجه کاربران خواهد شد. به‌طور کلی باتوجه به ریسک‌های مبادله تتر پیشنهاد می‌شود که از استبیل کوین‌های دیگر استفاده شود. همچنین مدت‌زمان زیادی بر مبادلات و سرمایه‌گذاری تتر متمرکز نشوند و به‌هیچوجه برای این کار از پلتفرم‌های خارجی استفاده نکنند.» صالح خواجه‌دلویی، نایب‌رئیس کمیسیون رمزارز اتحمن فین‌تک نیز با تاکید بر اینکه همه فعالان اکوسیستم رمزارزی ایران، به‌خصوص صرافی‌ها، سازوکارهای متنوع و متعددی برای حفظ امنیت دارایی‌های کاربران انجام داده و می‌دهند، می‌افزاید: «باید در نظر داشت که ذات بلاکچین شفاف است و نمی‌توان شفافیت را از بلاکچین جدا کرد. سازوکار این فناوری و معاملات هوشمند مبتنی بر آن هم‌برهمین اساس عمل می‌کنند. بااین حال کاربران باید نسبت به روش‌های امن نگهداری و معامله دارایی‌های دیجیتال آگاه باشند. بنابراین مهم‌ترین توصیه به کاربران پس از خرید دارایی‌های دیجیتال این است که دارایی را به کیف‌پول‌های نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری منتقل کنند. علاوه بر این، باتوجه به حساسیت‌ها و ریسک‌های بالا نسبت به تتر، بهتر است روی رمزارزهای دیگری سرمایه‌گذاری کنند.» همچنین توصیه می‌شود کاربران از انتقال مستقیم رمزارز بین صرافی‌های داخلی و بین‌المللی پرهیز کنند و از دریافت رمزارز مبدأ نامشناخته و مشکوک به حساب خود پرهیز کنند. خوب است علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در این حوزه به این نکته نیز توجه داشته باشند که باتوجه به تجربه‌ها، صرافی‌های رمزارزی معتبر بین‌المللی در زمان ایجاد حساب کاربری، احراز هویت انجام می‌دهند و اجازه این کار را به کاربران ایرانی نخواهند داد. طبیعتاً از دسته صرافی‌های بین‌المللی که بدون احراز هویت اجازه ایجاد حساب کاربری و تبادل رمزارز را به کاربران خود می‌دهند، از سطح امنیتی پایین‌تری برخوردارند و این موضوع دارایی کاربران را در معرض ریسک‌های گوناگون و بیشتر قرار می‌دهد.

تحریم‌ها و تبادلی‌ها دارایی‌های دیجیتال ندارند

از دیگر نگرانی‌های کاربران در روزهای اخیر، تاثیری است که فعال شدن مکانیسم مانه می‌تواند روی امنیت دارایی‌های رمزارزی آنها بگذارد. از نظر فعالان اکوسیستم تبادل رمزارز ارتباط مستقیمی با بازگشت این تحریم‌ها ندارد. اما دارایی رسانه‌ای برای کاربران به‌خصوص در تراکنش‌های بزرگ ایجاد کند. البته به اعتقاد کارشناسان این حوزه، امکان مدیریت این ریسک با رویکرد حمایتی بانک مرکزی از صرافی‌ها و فلیت‌های امن و شفاف، پلتفرم‌های رمزارزی وجود دارد. عباس آشتیانی در این خصوص توضیح می‌دهد: «هر صورت اجرای استیبرکد، تهدیدهای همچون بانک مرکزی، بانک‌ها و سیستم‌های پرداخت بسیار تحت‌تاثیر قرار خواهند گرفت. اما فعالا حوزه رمزارزها از ارتباط مستقیمی با بانک مرکزی ندارد که مشمول تحریم‌ها شود. بااین حال اگر تحریم‌ها به‌سمت محدودسازی معاملات کاربران ایرانی در دارایی‌های دیجیتال پیش رود، تمرکز برای شتابسایی دارایی‌های ایرانی‌ها بیشتر از گذشته خواهد شد.» به گفته او، نهادهای مالی کشور از جمله بانک مرکزی، مدت‌هاست که درگیر تحریم‌ها هستند و با فعال شدن استریک نیز فشارها بیشتر خواهد شد. در این شرایط لازم است سکوهای تبادل رمزارزی در داخل کشور اقدامات امتیتی خود را بیشتر از قبل توسعه دهند. صالح خواجه‌دلویی نیز به تحریم‌های قبلی بانک مرکزی و تشدید آنها با فعال شدن استریک اشاره کرد و می‌گوید: «بانک مرکزی در حال حاضر بسیار علاقه‌مند است تنظیم‌گری سکوهای رمزارزی را به‌صورت کامل در اختیار بگیرد. در این شرایط، اگر این نهاد که تحریم است، مسئول مجوزهی به صرافی‌های رمزارز شود و استبیرکد هم فعال شود، حساسیت‌های مردم نسبت به این بازار بیشتر از قبل می‌شود. بااین‌دلیل که تشدید ریسک قفل شدن دارایی‌ها در کیف‌پول‌ها را افزایش می‌دهد و ذی‌نفعان اکوسیستم از صرافی‌ها گرفته تا کاربران متضرر خواهند شد.» از نظر این کارشناس حوزه رمزارز، باتوجه به اینکه در سال‌های قبل هم رأهایی جایگزین برای تحریم‌ها پیدا کرده‌ایم، این‌بار نیز می‌توان ریسک‌های بازارهای مالی و اما مدیریت کرد. درنتیجه، صرافی‌های رمزارزی می‌توانند با اعمال سازوکارهایی در آدرس‌های کیف‌پول، ذخیره‌سازی امن و باتنعدت و مدیریت کلید و برداشت‌های کاربران ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها را کاهش دهند.

برگه

بیشتر شکست‌های زندگی ناشی از تسلیم‌شدن در نقطه‌ای است که تنها چند گام تا پیروزی فاصله داشته است...

توماس ادیسون

فلش

امروز با حافظ

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد؟
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند
گر شوند آگه از اندیشه ما مُغبچگان
بعد از این خرقه صوفی به گرو نَستانند

تا ترا از دور دیدم، رفت عقل و هوش من

می‌شود نزدیک منزل کاروان از هم جدا

صائب

فلش

اوقات